

اولتیماتوم در کرائیب
ونزوئلا و آمریکا در آستانه درگیری مستقیمتجربه‌ای شاعرانه و مستقل
ارزیابی فرزاد مؤتمن از جشنواره جهانی فیلم فجرسنگ‌پرانی به تاریخ ایران
وقتی چهل میراثی، سیل خشونت نمادین می‌شود

در میانه حمایت و نظارت

رئیس مجلس شورای اسلامی خطاب به نمایندگان:
امر جناحی را هرگز بر امر ملی مقدم نکنیم
و از رئیس‌جمهور و مجموعه دولت حمایت کنیم

یادداشت روز

حق حریم خصوصی؛

اولویت قانونگذار

در باره حمله به مهمانی خصوصی هنرمندان

صالح نقره‌کار

حقوقدان



قانونگذار با تأکید بر موازین حاکمیت قانون و در راستای حفظ امنیت شخصی و شهروندی، تدابیری اتخاذ کرده است که در قاعده «اولویت حقوق بنیادین» تصمیمات و اقدامات مقامات عمومی منعکس شده است. از این منظر، حفظ حریم خصوصی شهروندان به‌عنوان یک تکلیف حاکمیتی بر ضابطین و مقامات عمومی واجب است. در قوانین اساسی و عادی نظام ایران، تأکید ویژه‌ای بر حفاظت از حریم خصوصی و جلوگیری از تجاوز به حدود اختیارات قانونی توسط افرادی که در مقام کشف جرم یا تحقیقات قرار دارند، وجود دارد.

تنها در جرایم مشهود و در مواردی که قانونگذار پیش‌بینی کرده است، می‌توان اقداماتی محدود و مشروط انجام داد؛ اقدامات مذکور باید با تعالیم دادستان، رعایت تشریفات دادرسی منصفانه، امکان تجدیدنظر و اعتراض و جبران خسارت، براساس موازین و شاخص‌های آیین دادرسی کیفری صورت گیرد. این رویکرد با لحاظ کردن ترتب حقوق بنیادین و رعایت حریم خصوصی، قابل توجه و تقدیر است.

از این منظر باید توجه داشت که اصل منع تجسس و قواعد هنجاری جزای عمومی که هم در آموزه‌های دینی و هم در نظام حقوقی نوین مورد توجه قرار گرفته‌اند، دست مقامات عمومی را از تجاوز به حدود اختیارات قانونی و رفتارهای فراقانونی می‌بندند. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که ریاست قوه قضائیه در طول سه سال اخیر به‌طور مکرر به ضابطین و مقامات تحقیق و تعقیب سفارش کرده است که صرفاً در چارچوب موازین قانونی و با استیضاح مراجع ذی‌صلاح امکان رصد، پایش یا تفتیش دارند و خارج از این موارد، اقدامات فراقانونی ممنوع است؛ زیرا این اقدامات می‌توانند به صدمه به حقوق شهروندی منجر شوند.

بدین ترتیب، حفظ حریم خصوصی و رعایت آزادی‌ها و حقوق شهروندی، به‌جز در جرایم مشهود، ایجاد تعادل و امنیت برای جامعه می‌کند. مقامات عمومی به‌خصوص ضابطین، اجازه ندارند اقدامات فراقانونی را انجام دهند که زمینه صدمه به حقوق شهروندان را فراهم یا تسهیل کند.

از منظر خود، حداکثرسازی رعایت حقوق در حوزه عمومی نیازمند وحدت، همدلی و همراهی شهروندان در شرایط پسا جنگی است. در چنین شرایطی، رعایت امنیت غذایی و حقوق شهروندی به‌مثابه یک میثاق اجتماعی است و جامعه باید به این نیاز با پاسخ مناسب مواجه شود. ظرفیت‌های امنیت غذایی به‌عنوان محور رفاه و شهروندی باید حداکثر مورد استفاده قرار گیرد و مقامات عمومی موظفند در تلاش و تکاپو برای حفظ امنیت غذایی، حریم خصوصی و احترام به حقوق شهروندی ممارست کنند.

قاعده «تکریم و احترام شهروندان» در نظام فکری و حقوقی ما اهمیت ویژه‌ای دارد. اصل ۲۰ قانون اساسی تصریح می‌کند که حیثیت، جان، مال و حقوق شهروندان از تعرض مصون است. بر این اساس، توجه به حریم خصوصی باید واقع‌بینانه، اندیشمندانه و با رعایت مستمر قوانین اساسی و عادی ناظر بر حقوق اساسی و شهروندی باشد تا این حقوق دستخوش تعرض و تعدی نشوند.

از این طریق، جامعه می‌تواند بسا آرامش، طمأنینه، اعتماد و احترام به موضوعات اصلی خود به‌ویژه در شرایط فعلی نازاری‌ها، تهدیدهای خارجی و مسائل عدالت اجتماعی، متمرکز باقی بماند و از هرگونه اصطکاک، گسست، تقابل یا دوقطبی‌سازی جامعه پرهیز کند. رعایت خردمندانه و حکیمانه این اصول، اساس ثبات اجتماعی و رعایت حقوق شهروندان را تضمین می‌کند.

در کنار ایران

هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه در سفر به تهران و دیدار با سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران اعلام کرد: ترکیه همواره در کنار ایران بوده و خواهد بود. ما بر این باوریم که مسائل هسته‌ای ایران‌سباید در چارچوب قوانین بین‌المللی و از طریق رایزنی و گفت‌وگو حل شود تا تحریم‌های ناحق علیه ایران برداشته شود



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



در غزه و کرانه باختری همچنین تجاوزات رژیم صهیونیستی علیه لبنان، سوریه و برخی دیگر از کشورهای منطقه از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در جریان این سفر خواهد بود. همزمان با این سفر، هاکان فیدان در روز جهانی همبستگی با ملت فلسطین با انتشار پیامی تأکید کرد که آنکارا با همان عزم گذشته برای برقراری صلحی عادلانه و پایدار، که آزادی و رفاه فلسطینی‌ها را تضمین کند، به تلاش‌های خود ادامه خواهد داد. این موضع، نشان‌دهنده تمایل ترکیه به ایفای نقش فعال در تحولات خاورمیانه و حفظ ثبات منطقه‌ای است.

ادامه در صفحه ۳

هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه، روز یکشنبه نهم آذرماه ۱۴۰۴ به تهران سفر کرد؛ سفری که در چارچوب رایزنی‌های مستمر ایران با کشورهای همسایه و تقویت روابط دوجانبه صورت گرفت. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه ایران با تأکید بر اهمیت این سفر اعلام کرد که محور گفت‌وگوها شامل بررسی روابط دوجانبه، تحولات منطقه‌ای و موضوعات مهم بین‌المللی است. به گفته وی، وضعیت نگران‌کننده منطقه از جمله تداوم نسل‌کشی و نقض‌های فاحش حقوق بشر



سال هشتم شماره ۲۱۲۶
دوشنبه ۱۰ آذر ۱۴۰۴



بررسی رویدادهای سیاسی

دیدگاه: یادداشت سیاسی

سیاست‌گذاری زیر تعلیق

چرا درون‌داد دولت
مهم‌تر از برون‌داد برنامه‌ای است؟



مجید صالحی‌فیروزآبادی

عضو شورای مرکزی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

با گذشت بیش از یک سال از آغاز به‌کار دولت چهاردهم اکنون فرصت آن فراهم شده که با نگاهی متوازن و دقیق‌تر روندهای آن ارزیابی شود. دولت در زمانی کار خود را شروع کرد که جامعه از کشمکش‌های فرسایشی، نااطمینانی‌های اقتصادی و یک دوره طولانی بی‌ثباتی خسته بود. انتظار عمومی این بود که دولت جدید بتواند مسیر پیش‌بینی‌پذیرتری ایجاد کند و با اتکا بر برنامه، بخشی از فشارها را کاهش دهد. در این میان درون‌دادهای دولت – یعنی کیفیت تصمیم‌سازی، نحوه تحلیل شرایط و میزان اتکا به کارشناسی – اهمیتی به‌مراتب بیشتر از برون‌دادهای برنامه‌ای پیدا می‌کند؛ زیرا خروجی‌ها هر اندازه هم پرزرق‌وبرق باشند، اگر بر بنیان‌های نادرست بنا شوند، یا اجرا نمی‌شوند یا به نتایج معکوس می‌انجامند.

با این حال، دولت چهاردهم از همان روزهای آغازین با سلسله‌ای از بحران‌های فشرده و پرهزینه روبه‌رو شد. ترور هنیه، تشدید تنش‌های منطقه‌ای سپس جنگ ۱۲ روزه اخیر که فضای سیاسی و امنیتی کشور را به‌شدت متأثر کرد ظرفیت دولت را تا حد زیادی صرف مدیریت پیامدهای فوری کرد. علاوه بر این، نوسانات بازار ارز و طلا، فرسایش اعتماد عمومی و برخی تحولات داخلی، بخش قابل‌توجهی از توان اجرایی را از مسیر برنامه‌ریزی بلندمدت منحرف کرد. حاصل آن شد که دولت عملاً بیشتر درگیر کنترل بحران‌ها بود تا اجرای برنامه‌های اعلام‌شده. این وضعیت نه ناشی از ضعف اراده بلکه نتیجه محیطی است که در آن سیاست‌گذاری همواره زیر سایه تهدیدها، واکنش‌ها و فوریت‌ها قرار دارد.

اکنون کشور در شرایطی قرار گرفته که هیچ نشانه روشنی از ورود به یک جنگ فراگیر دیده نمی‌شود اما بازگشت به آرامش پایدار نیز مقدور نیست. این وضعیت تعلیق‌ممتد – حالتی میان نه جنگ و نه صلح – برای دولت چالشی اساسی ایجاد کرده است. تعلیق، تنها یک وضعیت سیاسی نیست؛ اثرات آن به اقتصاد، انتظارات عمومی، انگیزه سرمایه‌گذاری و حتی کارآمدی نهادهای اجرایی سرایت می‌کند. تصمیم‌گیری در فضایی که آینده قابل پیش‌بینی نیست، ناگزیر با احتیاط، تأخیر و هزینه‌های پنهان همراه می‌شود. همین وضعیت بسیاری از اصلاحات ضروری را در نقطه آغاز متوقف می‌کند. در چنین شرایطی و با توجه به اینکه دو سال‌واندی از عمر دولت باقی مانده است، آنچه اهمیت حیاتی دارد، تغییر زاویه نگاه دولت به سمت سیاست‌گذاری مبتنی بر تحلیل و داده است. درون‌دادهای دولت – از کیفیت اطلاعاتی که بر اساس آن تصمیم می‌گیرد تا نحوه سنجش تبعات اجتماعی سیاست‌ها – تعیین می‌کنند که خروجی‌ها چقدر می‌توانند به بهبود واقعی شرایط منجر شوند. ادامه وضعیت پراپهام موجود، خود به نوعی بازتولید بحران است؛ زیرا هر سیاستی که در محیطی مبهم اتخاذ شود، یا اجرا نمی‌شود یا اثرگذاری‌اش کاهش می‌یابد.

دولت برای عبور از این چرخه باید چند مسیر روشن را دنبال کند:

نخست، کاهش دامنه ابهام در سیاست‌گذاری از طریق اعلام مسیرهای مشخص و قابل سنجش. وقتی فعالان اقتصادی و اجتماعی بدانند، دولت در چه جهتی حرکت می‌کند، رفتار خود را هماهنگ‌تر تنظیم می‌کنند و فضای پیش‌بینی‌پذیرتری شکل می‌گیرد.

دوم، اتکا به کارشناسی عمیق‌تر و به‌کارگیری تحلیل‌هایی که واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی را در نظر می‌گیرند. هیچ اصلاحی بدون سنجش تاب‌آوری مردم و توجه به فشار معیشتی به نتیجه نمی‌رسد.

سوم، طراحی راهبردی برای مدیریت وضعیت تعلیق؛ زیرا اگر کشور همچنان در حالت انتظار باقی بماند، هزینه فرصت آن برای توسعه ملی، سنگین خواهد بود.

اگر دولت بتواند این مسیر را در سال‌های پیش‌رو دنبال کند، امکان آن وجود دارد که دوره پایدانی خود را از مدیریت انفعالی بحران‌ها جدا سازد و به مرحله‌ای برای ایجاد ثبات نسبی، کاهش هزینه‌های انباشته و فراهم کردن مقدمات توسعه تبدیل کند. در نهایت، کیفیت تصمیم‌ها و نحوه اداره شرایط است که تصویر پایدانی از دولت چهاردهم را در ذهن جامعه تثبیت خواهد کرد؛ نه صرفاً حجم برنامه‌هایی که روی کاغذ قرار گرفته‌اند.

در میانه حمایت و نظارت

رئیس مجلس شورای اسلامی خطاب به نمایندگان:

امر جناحی را هرگز بر امر ملی مقدم نکنیم و از رئیس‌جمهور و مجموعه دولت حمایت کنیم



عاطفه شمس

گروه سیاسی

نشست روز گذشته مجلس شورای اسلامی، خطوط اصلی جدال سیاسی دولت و مجلس طی ماه‌های آینده را مشخص کرد؛ جدالی که در کانون آن بنزین، استیضاح وزرا و چگونگی مواجهه مجلس با دولت قرار دارد. همزمان تلاش‌هایی از سوی هیأت رئیسه به‌ویژه محمدباقر قالیباف برای کنترل تنش و هدایت فضای مجلس به سمت حمایت از دولت مشاهده می‌شود.

تلاش‌هایی که با سخنان صریح او در صحن علنی همچنین برنامه‌ریزی برای مذاکره با رئیس‌جمهور پیش از برگزاری جلسات استیضاح نمود بیشتری یافته است. در همین چارچوب، مجموعه اظهارات نمایندگان، بیانیه ۲۴۱ امضایی درباره سوخت و روایت‌های تازه از مذاکرات هیأت رئیسه با رئیس‌جمهور، تصویری دقیق از میز بازی سیاست ارائه می‌دهد؛ مجلس می‌خواهد دولت را به حرکت وادارد اما مراقب است، تلنگر به کابینه به بحران تبدیل نشود. به همین دلیل هم رئیس مجلس روز گذشته در صحن علنی پیام صریحی را خطاب به نمایندگان صادر کرد و گفت: امر جناحی را هرگز و با هیچ بهانه و عذری بر امر ملی مقدم نکنیم. موفقیت دولت را موفقیت خود بدانیم و از رئیس‌جمهور دلسوز و پرتلاش و مجموعه دولت حمایت کنیم.

جرقه اصلی تنش‌های معیشتی

سنگ بنای فشار این روزهای مجلس، موضوع بنزین است. نمایندگان با انتشار بیانیه‌ای کم‌سابقه با ۲۴۱ امضا، دولت را رسماً مکلف کردند که سهمیه سوخت یارانه‌ای را از کارت سوخت به کارت بانکی منتقل کند. آنها تأکید کردند که دولت با گذشت ۹ ماه از تصویب قانون بودجه ۱۴۰۴ هنوز آیین‌نامه اجرایی را نهایی نکرده و این «تعلل غیرقابل توجیه» به‌معنای تضییع حق عمومی است.

منتقدان طرح سه‌نرخ بنزین مانند مالک شریعتی معتقدند بدون شفاف‌سازی سازوکار توزیع، افزایش قیمت فقط مصرف‌کننده را تحت‌فشار قرار می‌دهد بدون اینکه قاچاق کاهش یابد یا مصرف مدیریت شود. آنها هشدار می‌دهند که اگر سهمیه به کارت بانکی نرود، عدالت و کارایی هر دو از بین می‌رود. بنابراین به‌نظر می‌رسد سوخت، امروز

پارلمان

اصلاحات حکمرانی و رسانه

محمدباقر قالیباف در نشست صمیمانه با مدیران رسانه‌ها: انسجام اجتماعی باید باور ما باشد

گروه سیاسی: شامگاه شنبه ۸ آذرماه و در آستانه روز مجلس، نشست صمیمانه و سه ساعته‌ای با حضور جمعی از مدیران رسانه‌های کشور از طیف‌ها و جریان‌های مختلف سیاسی با حضور محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی برگزار شد. در این جلسه حدود ۳۰ مدیرمسئول رسانه‌ها به بیان دیدگاه‌ها، انتقادات، گلایه‌ها و پیشنهادات خود درباره مسائل مختلف کشور ازجمله حوزه رسانه پرداختند سپس رئیس مجلس به اظهارنظر و پاسخگویی پرداخت. قالیباف در این نشست با اشاره به جنگ ۱۲ روزه اخیر گفت شرایط پیش و پس از جنگ متفاوت بوده و دشمن صهیونیستی با حمایت کامل دولت آمریکا اقدام کرد اما مردم ایران در مقابل توطئه‌ها

ایستادند. وی با اشاره به حضور رهبر انقلاب در

میدان فرماندهی و هماهنگی فرماندهان پیش از آغاز تهاجم دشمن، تأکید کرد که رزمندگان موشکی با فداکاری خود از روز پنجم و ششم جنگ، کنترل زمین و آسمان را در دست گرفتند و هر هدفی که اراده شد مورد اصابت قرار گرفت. رئیس مجلس افزود که در این جنگ، توان موشکی ایران با عبور از لایه‌های پدافندی ناتو و گنبد آهنین، توانست ضربه مؤثری به دشمن وارد کند و در روزهای پنجم و ششم دشمن عملاً متفعل شد. وی تأکید کرد که این موفقیت‌ها، نتیجه قدرت موشکی و مهم‌تر از آن، انسجام و قلب مردم ایران بوده است و همین

فقط یک مسئله اقتصادی نیست و تصمیم‌گیری درباره آن می‌تواند، جهت‌گیری رابطه دولت و مجلس را در ماه‌های آینده تعیین کند.

۸ وزیر در صف استیضاح

اما بنزین تنها میدان رویارویی این دو نهاد نیست. در گفت‌وگوی اخیر مصطفی پوردهقان، نماینده مردم اردکان با تابناک، جزئیات مهمی درباره فهرست استیضاح‌ها و تصمیمات اخیر هیأت رئیسه مجلس منتشر شده؛ اطلاعاتی که نشان می‌دهد، مجموعه‌ای کم‌سابقه از استیضاح‌ها در حال شکل‌گیری است. پوردهقان تأیید کرده که استیضاح وزیر نفت «بارگذاری» شده و با اضافه شدن آن، مجموع وزرای که طرح استیضاح‌شان در مجلس مطرح است به ۸ نفر رسیده است. طبق توضیحات او، هیأت رئیسه مصوب کرده ۵ وزیری که زودتر بحث استیضاح‌شان مطرح شده بود، در اولویت بررسی قرار گیرند اما نکته مهم‌تر مذاکره هیأت رئیسه با رئیس‌جمهور قبل از هر جلسه استیضاح است.

پوردهقان می‌گوید، مصوبه مهم‌تری نیز تصویب شده که پیش از آنکه وزرا به صحن بیایند و جلسه استیضاح رسمی تشکیل شود، هیأت رئیسه مجلس جلسه‌ای با رئیس‌جمهور برگزار کند تا درباره وضعیت وزرا گفت‌وگو شود. هدف هم این است که اگر رئیس‌جمهور خودش تشخیص دهد، وزیری باید تغییر کند این جابه‌جایی پیش از جلسه استیضاح انجام شود تا از اتلاف وقت مجلس و دولت جلوگیری شود و مجلس بتواند انرژی خود را صرف مسائل اصلی کشور کند.

پوردهقان همچنین تصریح کرده که یکی از محورهای جلسه پیش‌رو بین قالیباف و رئیس‌جمهور پزشک‌سکان، دو وزیری هستند که بیشترین ارتباط را با معیشت و اقتصاد مردم دارند و احتمال دارد در مجلس بیشترین رأی برای استیضاح را بگیرند. او از این دو وزارتخانه نامی نبرده است اما با توجه به شرایط به‌نظر می‌رسد وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی و وزارت جهاد کشاورزی به‌عنوان وزارتخانه‌های پرچالش در حوزه معیشت شناخته می‌شوند. نکته مهم‌تر در سخنان او این است که اگر رئیس‌جمهور این دو وزیر را جابه‌جا کند، «مجلس از استیضاح صرف‌نظر می‌کند»، این موضوع نشان می‌دهد مجلس راهی تعاملی برای مدیریت بحران با دولت باز گذاشته اما در عین حال پیام روشنی نیز فرستاده مبنی بر اینکه اگر دولت اقدام نکند، رأی استیضاح سنگین خواهد بود.

اتحاد اجتماعی، تضمین‌کننده اقتدار و ماندگاری جمهوری اسلامی است. قالیباف در بخش دیگری از نشست به عملکرد مجلس در سال‌های اخیر پرداخت و اظهار کرد که ۲۲ قانون مهم تصویب شده که هر کدام قابلیت ایجاد تحول در کشور را دارد. وی افزود که با استفاده از هوش مصنوعی ۱۲ هزار و ۵۰۰ قانون مصوب طی ۱۱۹ سال گذشته جمع‌آوری و دسته‌بندی شده و پس از تنقیح این تعداد به حدود ۳۵۰۰ قانون کاهش خواهد یافت. وی با اشاره به برنامه هفتم توسعه گفت که این برنامه مسئله‌محور طراحی شده و ۳۰ ماده قانونگذاری و سیاستگذاری برای حل ۹ مسئله مهم کشور دارد و تحقق این مواد بسیاری از مشکلات دیگر را نیز حل خواهد کرد.



حمایت سیاسی همراه با فشار اصلاحی
نطق رئیس مجلس اما نقطه عطف جلسه دیروز بود. او برخلاف موج استیضاح‌ها و هجوم‌های معیشتی با حمایت علنی از دولت، روایتی متفاوت ارائه کرد و خطاب به نمایندگان گفت: «به‌معنای واقعی موفقیت دولت را موفقیت خود بدانیم و از رئیس‌جمهور دلسوز و پرتلاش حمایت کنیم». این جمله در زمانی که همزمان بیانیه علیه سیاست بنزینی و صف استیضاح‌ها در جریان است، بار سیاسی مهمی دارد. پیام قالیباف این است که مجلس باید مرز انتقاد و تضعیف را جدا کند. فشار بماند اما دولت نیفتد. سیاستی که دو وجه دارد؛ حمایت برای جلوگیری از بی‌ثباتی و مدیریت تعامل برای اصلاح ترکیب کابینه. به‌عبارت دیگر، قالیباف نظم‌دهنده تنش است. او می‌خواهد مجلس گزینه آخر را انتخاب نکند. بنابراین فشار برای تغییر قطعاً ادامه دارد اما در چارچوب حفظ دولت. به‌نظر می‌رسد، مجلس نه به‌دنبال تقابل صفر و یک بلکه در پی بازتنظیم قدرت و بازتعریف نقش نظارتی خود است.

بر همین اساس، چشم‌انداز پیش‌رو چند سناریوی متفاوت را نشان می‌دهد: سناریوهایی که هر کدام می‌توانند، مسیر تعامل یا تنش میان دولت و مجلس را تعیین کنند. سناریوی اول، تغییر دو وزیر اقتصادی قبل از صحن‌است؛ اگر مذاکرات قالیباف-پزشک‌سکان به نتیجه برسد، استیضاح‌ها شکل رسمی نمی‌گیرند و مجلس خود را پیروز تعامل معرفی می‌کند. سناریوی دوم، ورود رسمی به صحن و رأی‌گیری سخت است؛ در صورت عدم تغییر، موج انتقادی بر وزرای نفت، کار و جهاد کشاورزی سنگین‌تر خواهد شد. چنین وضعی می‌تواند، اولین بحران جدی دولت در مجلس باشد. سناریوی بعدی نیز توافق بر سر بنزین به‌عنوان بسته کاهش تنش است؛ اگر دولت انتقال سهمیه به کارت بانکی را اجرا کند، بخشی از فشار سیاسی کاهش می‌یابد و فضای استیضاح‌ها مدیریت‌پذیرتر می‌شود. در حال حاضر مجلس در نقطه‌ای ایستاده که هم باید به مردم درباره بنزین پاسخ دهد، هم با بحران معیشت در کابینه کنار نیاید و هم ثبات دولت را نگه دارد. ابزار فشار نیز آماده است؛ ۸ استیضاح، بیانیه ۲۴۱ امضایی و مطالبه کارت بانکی سوخت. در این میان اما سخنان قالیباف ترمز تعادل است؛ او روز گذشته یک نقشه راه ارائه داد: انتقاد کنید، فشار بیایید، اما دولت را زمین نزنید. به‌نظر می‌رسد، قالیباف تلاش دارد که مجلس بازوی اصلاح باشد، نه تیر خلاص.

قالیباف همچنین به ضرورت تبدیل مشکلات به مسائل قابل حل اشاره و تأکید کرد که رسانه‌ها، نقش مهمی در اطلاع‌رسانی، ایجاد انسجام اجتماعی و کمک به اجرای برنامه‌ها دارند. وی گفت، رسانه‌ها نباید تنها به سطحی‌نگری اکتفا کنند بلکه باید با انتقاد سازنده و انتقال دقیق مسائل، اعتماد مردم و سرمایه اجتماعی کشور را تقویت کنند.

رئیس مجلس با بیان اینکه ۸۵ درصد اقتصاد کشور، دولتی است بر لزوم هوشمندسازی و مردمی‌سازی تأکید کرد و به مثال سهام عدالت اشاره کرد که با وجود ارائه به ۵۰ میلیون نفر، مدیریت واقعی آن در اختیار مردم قرار نگرفته است. وی گفت که استفاده

از توان نخبگان و مردم در مدیریت منابع، لازمه تحقق مردمی‌سازی است. در پایان نشست، مدیران رسانه‌ها بر ضرورت حمایت از خبرنگاران، اصلاح قانون مطبوعات، رعایت وفاق اجتماعی، ایجاد مفاهیم میان مسئولان و مردم، توجه به حکمرانی کارآمد و اصلاح ناکارآمدی‌ها تأکید کردند. همچنین موضوعات فضای مجازی، اصلاح ساختار انرژی، ارزیابی اجرای برنامه هفتم، لزوم دوری از نگاه کمیتی به رسانه‌ها، بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌ها برای آسیب‌شناسی مسائل کشور و ایجاد نظام انتخاباتی تناسبی و افزایش نظارت مجلس بر اجرای قوانین مورد توجه قرار گرفت.

اولتیماتوم در کارائیب

ونزوئلا و آمریکا در آستانه درگیری مستقیم

ماه اکتبر تمام گفت‌وگوهای دیپلماتیک با کاراکاس را قطع کرده بود، هفته گذشته اظهار کرد که مادورو «مایل به گفت‌وگوست» و تأکید کرد که اگر «زمان مناسب» فرا برسد، حاضر است با رئیس‌جمهور ونزوئلا مذاکره کند. این تغییر لحن از سوی برخی تحلیلگران به‌عنوان تلاش ترامپ برای مدیریت بحران پیش از رسیدن به نقطه درگیری مستقیم تعبیر شده است. افشاکری‌های رسانه‌ای نیز ابعاد تازه‌ای از این تقابل را آشکار کرده‌اند. نیویورک‌تایمز خبر داد که ترامپ و مادورو هفته گذشته تماس تلفنی داشته‌اند، وال‌استریت ژورنال نیز به جزئیاتی اشاره کرده که نشان می‌دهد، رئیس‌جمهور آمریکا در این تماس مادورو را تهدید به استعفا کرده و به او گفته است که «می‌تواند راه آسان یا سخت را انتخاب کند». طبق این گزارش، ترامپ حتی از احتمال انتقال مادورو به «ایک پایتخت دوست» سخن گفته و هشدار داده که در غیر این صورت ممکن است با اقدام مستقیم نظامی آمریکا مواجه شود. در سوی دیگر ماجرا، سناتورهای آمریکایی راجر ویکر و جک رید، وعده داده‌اند که به‌طور جدی بر دستور پیت هگست، وزیر جنگ آمریکا، مبنی بر «کشتن سرنشینان قایق‌های مظنون به حمل مواد مخدر» در کارائیب نظارت خواهند کرد. این دستور پس از حادثه‌ای جنجالی صادر شد که واشنگتن‌پست آن را افشا کرد: حمله نیروهای آمریکایی به یک قایق در نزدیکی سواحل ترینیداد

گروه بین‌الملل: در پی دستور تازه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای بستن حریم هوایی ونزوئلا، تنش‌ها در حوزه کارائیب بار دیگر به اوج رسیده و این منطقه را به کانون توجه جهانی بازگردانده است. دولت کاراکاس این اقدام را «تجاوزی افراطی، غیرقانونی و غیرقابل توجیه» توصیف کرده و آن را حمله‌ای مستقیم به حاکمیت ملی خود دانسته است. وزیر دفاع ونزوئلا نیز با لحنی تند، این اقدام را «تجاوز خودسرانه» خوانده و اعلام کرده که کشورش «به هر قیمتی از حاکمیت خود دفاع خواهد کرد». این موضع‌گیری‌ها نشان می‌دهد که بحران میان واشنگتن و کاراکاس بار دیگر وارد مرحله‌ای حساس و غیرقابل پیش‌بینی شده است.

همزمان با افزایش فشارهای واشنگتن، شبکه خبری سی‌ان‌ان گزارش داد که تماس‌هایی غیررسمی میان دولت مادورو و کاخ سفید برقرار شده است؛ تماس‌هایی که به گفته منابع آمریکایی بیشتر با هدف ارزیابی مسیرهای احتمالی تعامل و سنجش انعطاف‌پذیری طرف مقابل صورت می‌گیرد. نزدیکان ترامپ، به‌ویژه مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا، همچنان بر روی «گزینه‌های نظامی» تمرکز کرده‌اند و سناریوهای مختلف برای اعمال فشار حداکثری بر دولت ونزوئلا را بررسی می‌کنند. در همین حال، ترامپ پس از ماه‌ها موضع‌گیری سخت‌گیرانه، لحن نرم‌تری به خود گرفته است، او که در

ادامه تیتریک

در کنار ایران

فیدان پس از ورود به تهران با سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، دیدار و در نشست خبری مشترک حاضر شد. وزیر خارجه ترکیه در این نشست با بیان اینکه تاکنون چهار بار در سمت وزیر خارجه ترکیه به ایران سفر کرده است از میزبانی تهران تشکر کرد و گفت: «در این دیدار، گفت‌وگوهای خوبی بین من و آقای عراقچی و هیات‌های دو کشور صورت گرفت. این گفت‌وگوها پربار بود و در زمینه‌های مختلفی که دو کشور در چارچوب روابط دوجانبه همکاری دارند، رایزنی و گفت‌وگو کردیم».

ایسن دیپلمات عالی‌رتبه ترکیه با اشاره به آماده بودن کشورش برای گسترش دروازه‌های مرزی با ایران اظهار کرد: «در ارتباط با مرزها، حمل‌ونقل و مسائل مرتبط، رایزنی‌های مفیدی داشتیم». وی همچنین به آغاز به کار کنسولگری ایران در شهر وان اشاره کرد و افزود: «اگر آقای عراقچی برای افتتاح این کنسولگری به شهر وان بیایند، من نیز در این مراسم حضور خواهم داشت».

فیدان در ادامه به موضوع همکاری‌های دو کشور در زمینه گاز و برق اشاره کرد و گفت: «در این دیدار، رایزنی‌های مفیدی درخصوص توسعه همکاری‌های انرژی صورت گرفت. ان‌شاءالله در آینده نزدیک با حضور رؤسای‌جمهور دو کشور، نشست شورای‌عالی همکاری ایران و ترکیه در تهران برگزار خواهد شد». وی با تأکید بر اینکه ایران و ترکیه دو کشور قدرتمند منطقه هستند، اضافه کرد: «در این دیدار موضوع غزه، لبنان، فلسطین و تجاوزات اسرائیل در منطقه نیز مورد بحث قرار گرفت و بر لزوم توجه جامعه بین‌المللی به این مسائل تأکید شد». وزیر خارجه ترکیه با اشاره به ادامه تجاوزات رژیم صهیونیستی در غزه تصریح کرد: «جامعه بین‌المللی باید به وظایف خود در این ارتباط عمل کند». همچنین وی اظهار کرد که در جریان دیدار با عراقچی، مسائل هسته‌ای نیز بررسی شد و تأکید کرد: «ترکیه همواره در کنار ایران بوده و خواهد بود. ما بر این باوریم که این مسائل باید در چارچوب قوانین بین‌المللی و از طریق رایزنی و گفت‌وگو حل شوند تا تحریم‌های ناعقلی علیه ایران برداشته شود و ما هر اقدامی که بتوانیم برای پیشبرد این روند انجام می‌دهیم».

فیدان در ادامه به موضوع بحران روسیه و اوکراین پرداخت و افزود: «ما با طرف‌های مختلف در ارتباط با این بحران تعامل داریم و از هر طریی که بتواند به حل این بحران کمک کند، حمایت می‌کنیم». وی همچنین اعلام کرد که بعدازظهر همان روز در جریان سفر به تهران با رئیس‌جمهور، رئیس‌مجلس و دبیرشوراعالی امنیت ملی دیدار و ابراز امیدواری کرد که این رایزنی‌ها موجب گسترش همکاری‌ها و افزایش خیر و برکت برای دو کشور شود.

در این نشست خبری مشترک، سیدعباس عراقچی نیز بر روابط دوستانه تهران و آنکارا تأکید کرد و گفت: «مرزهای دو کشور مرزهای صلح و همکاری است و مقدمات برگزاری شورای‌عالی همکاری ایران و ترکیه در تهران با حضور رؤسای‌جمهور بررسی شده است». وی همچنین از رشد تجارت دو کشور سخن گفت اما یادآور



طولانی» نامیده‌اند و از ارائه جزئیات بیشتر خودداری کرده‌اند. همچنین ۵ هزار موشک «ایگلای» ساخت روسیه، که مادورو اخیراً در تلویزیون از آنها تمجید کرده بود، از پیش در نقاط مختلف مستقر شده‌اند. منابع آگاه می‌گویند در صورت حمله خارجی، یگان‌ها موظف خواهند بود به سرعت پراکنده و پنهان شوند تا امکان حملات چریکی ادامه یابد.

راهبرد دوم ونزوئلا که «آشوب‌سازی» نام دارد هنوز به‌طور رسمی تأیید نشده اما منابع می‌گویند، سرویس‌های اطلاعاتی و نیروهای شبه‌نظامی هوادار دولت مأمور خواهند شد در پایتخت بی‌نظمی گسترده ایجاد کنند تا کاراکاس به «شهری غیرقابل حکومت» تبدیل شود. این سناریو در صورت اجرای یک حمله اولیه می‌تواند یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های امنیتی سال‌های اخیر را رقم بزند.

خاورمیانه

درخواست عفو

تتانیاهو دست به دامن هرتزوگ شد

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی که با اتهامات فساد، رشوه و کلاهبرداری مواجه است، برای دریافت عفو به اسحاق هرتزوگ، رئیس رژیم صهیونیستی، درخواست خود را ارائه کرد. این درخواست اکنون به اداره عفو وزارت دادگستری منتقل شده و نظرات حقوقی بخش‌های مختلف ایسن وزارتخانه جمع‌آوری خواهد شد. نتانیاهو در نامه خود به هرتزوگ نوشت که روند قضایی علیه او به کانون درگیری‌های شدید تبدیل شده و با وجود تمایل شخصی به اثبات بی‌گناهی، منافع عمومی حکم می‌کند این پرونده پایان یابد. وی همچنین به رویدادهای مهم خاورمیانه در ماه‌های آینده اشاره کرده و بر طولانی بودن پرونده‌های خود تأکید کرده است.

درخواست عفو نتانیاهو که شامل ۱۱۱ صفحه است به گفته رسانه‌ها، شامل اعتراف به جرم یا ذکر حقایق نیست و صرفاً مسئولیت عمومی و اخلاقی وی را در برمی‌گیرد. روند قانونی درخواست عفو در اسرائیل شامل ارائه درخواست به رئیس رژیم، انتقال به اداره عفو وزارت دادگستری، تهیه پیش‌نویس نظر تخصصی و در نهایت امضای حکم توسط رئیس رژیم و وزیر دادگستری است. در پی درخواست نتانیاهو، برخی چهره‌های سیاسی ازجمله یائیر گولان و بنی گانتس این اقدام را محکوم کرده و آن را مغایر با رویه‌های اسرائیل دانستند. گانتس تأکید کرد که درخواست عفو، تنها به منظور منحرف کردن افکار عمومی از پیش‌نویس قانونی است که نتانیاهو تبلیغ می‌کند و او باید ابتدا با صندوق‌های رأی پاسخگو باشد. پیش‌تر دونالد ترامپ نیز از هرتزوگ خواسته بود، نتانیاهو را عفو کند تا کشمکش قانونی پایان یابد. نتانیاهو با سه پرونده جداگانه روبه‌روست: پرونده ۴۰۰۰ مربوط به اتهام دریافت لطف در ازای پوشش رسانه‌ای مثبت از مالک سابق والا و شرکت مخابرات «بزک»، پرونده ۱۰۰۰ شامل دریافت هدایای بسا ارزش از بازرگانان و پرونده ۲۰۰۰ مربوط به مذاکره با ناشر روزنامه برای کسب پوشش رسانه‌ای مطلوب. وی تمامی اتهامات را رد کرده و در صورت محکومیت ممکن است با مجازات حبس مواجه شود.



و توباگو که به کشته شدن ۱۱ نفر انجامید. منابع آمریکایی می‌گویند پس از حمله اول، دریاسالار فرانک بردلی دستور حمله دوم را صادر کرد تا دو بازمانده نیز کشته شوند؛ دستوری که گفته می‌شود از سوی هگست به صراحت تأکید شده بود.

در چنین شرایطی، کاراکاس نیز در حال آماده‌سازی سناریوهای دفاعی خود است. خبرگزاری رویترز گزارش داده که برنامه‌های محرمانه ونزوئلا نشان می‌دهد این کشور قصد دارد در صورت حمله هوایی یا زمینی آمریکا به جنگ چریکی و مقاومت طولانی‌مدت روی آورد. بر اساس این اسناد بیش از ۲۸۰ مکان برای استقرار یگان‌های کوچک نظامی در نظر گرفته شده که وظیفه آنها اجرای عملیات خرابکارانه و تانک‌های چریکی در سراسر کشور خواهد بود. مقامات ونزوئلا این راهبرد را «مقاومت



آفریقا ازجمله لیبی و پروژه‌های گازی در جنوب مدیترانه و سواحل آفریقا بود.

در سطح بین‌المللی، فیدان نمایندگی ترکیه در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد (پونیدو) را برعهده داشت و ازجمله کسانی بود که رویای ترکیه صنعتی و اتمی را پرورانده است. اما مهم‌ترین دوران حیات سیاسی او با ریاست بر سازمان اطلاعات و امنیت ترکیه (میت) آغاز شد. فیدان از ماه مه ۲۰۱۰ ریاست میت را برعهده گرفت و تا ژوئن ۲۰۲۳ که به وزارت امور خارجه انتخاب شد، در این سمت باقی ماند. این دوران، دوره گسترش فعالیت میت در طول حیات خود بود و دکتربین روابط خارجی او نقش مهمی در تدوین استراتژی منطقه‌ای ترکیه ایفا کرد به‌ویژه در حمایت فعال از شورشیان سوری که در حال جنگ با رژیم بشار اسد بودند.

فیدان با توجه به پیشینه خود در ارتباط با کردها در مذاکرات مخفی صلح با حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) شرکت داشت و در سال ۲۰۱۲ با مداخله رجب طیب اردوغان از تحقیقات قضایی مصون ماند. وی بعداً برای مذاکره با عبدالله اوجالان تعیین شد. آغاز همکاری مجدد میت به رهبری فیدان با حزب عدالت و توسعه و گرگ‌های خاکستری به سال ۲۰۱۵ برمی‌گردد، زمانی که رهبر گرگ‌های خاکستری در دانشگاه آژه کشته شد و پس از آن میت و اعضای حزب عدالت و توسعه با گرگ‌های خاکستری برای مقابله با احزاب کردی همکاری کردند. هاگان فیدان به‌عنوان نزدیک‌ترین فرد به اردوغان شناخته می‌شود و بسیاری او را پس از رئیس‌جمهور قدرتمندترین سیاستمدار ترکیه می‌دانند. او وفادارترین فرد به اردوغان است و اقدامات مخفیانه ترکیه را مدیریت کرده و به‌عنوان «جبهه سیاه» اردوغان شناخته می‌شود. به نظر بسیاری، او یکی از نامردهای احتمالی جانشینی اردوغان در انتخابات ۲۰۲۸ به‌شمار می‌رود.

شد که هنوز اهداف تعیین‌شده، محقق نشده است.

عراقچی آمادگی ایران برای تمدید قرارداد گازی، توسعه همکاری‌های انرژی، اتصال خطوط راه‌آهن و فعال‌سازی گذرگاه‌های مرزی جدید را اعلام کرد و از آغاز به‌کار سرکنسولگری ایران در وان و تقویت همکاری‌های پارلمانی خبر داد. در حوزه مسائل منطقه‌ای، وی گفت: «دو کشور درباره مسائل مختلف ازجمله فلسطین، حملات رژیم صهیونیستی در سوریه و لبنان و وضعیت قفقاز گفت‌وگو کرده‌اند. ایران از ثبات در قفقاز حمایت می‌کند و با مداخلات خارجی مخالف است».

عراقچی همچنین به موضوع مبارزه با تروریسم پرداخت و ضمن تأکید بر خلع سلاح پ.ک.ک خواستار خلع‌سلاح تمامی گروه‌های تروریستی شد. وی افزود که رایزنی‌هایی درباره مسائل هسته‌ای، تحریم‌ها و موضوع اسنبکبک انجام شده و در پایان نسبت به آینده روابط تهران و آنکارا ابراز خوش‌بینی کرد.

از میت تا وزارت خارجه

هاگان فیدان ۵۷ ساله از پدری کرد اهل وارثو و مادری ترک اهل دنیزلی است و از قبیله کرد حسانی می‌باشد. این پیشینه به وی کمک کرده تا فضای سیاسی پیچیده ترکیه، به‌ویژه مسائل مربوط به کردها را درک کرده و در آن بازی کند. فیدان مدرک لیسانس خود را در رشته مدیریت و علوم سیاسی از دانشگاه مرلیند دریافت کرد سپس کارشناسی ارشد و دکتری خود را از دانشگاه بیل‌کند ترکیه گرفت.

وی از سال ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۱ به‌عنوان افسر در نیروهای زمینی ترکیه خدمت کرد و عضو واحد واکنش سریع نانو در آلمان بود. فیدان از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ ریاست آژانس همکاری و هماهنگی ترکیه (تیکا) را برعهده داشت و بر پروژه‌های توسعه‌ای در کشورهای ترک و آفریقایی تمرکز کرد. وی در حقیقت معمار ورود ترکیه به شمال

ادبیات جهان

تاوان دفاع از فلسطین

سالی رونی نویسنده مطرح ایرلندی در بریتانیا ممنوع‌الکار است



سالی رونی، نویسنده مطرح ایرلندی، دوباره خبرساز شده است. او این بار به دیوان عالی بریتانیا گفته که «تقریباً مطمئن» است تا وقتی ممنوعیت فعالیت گروه «اقدام برای فلسطین» (Palestine Action) برقرار باشد قادر نخواهد بود، کتاب تازه‌ای را در بریتانیا منتشر کند.

این نویسنده ۳۴ ساله که در چند سال گذشته نیز از گروه «اقدام برای فلسطین» و از گروه‌های اعتراضی مشابه حمایت کرده است همچنین گفت، ممکن است به‌دلیل این ممنوعیت ناچار شود، کتاب‌های فعلی‌اش را از بازار بریتانیا خارج کند.

تداوم حمایت از گروه «اقدام برای فلسطین»

در ماه ژوئیه، گروه «اقدام برای فلسطین» ممنوع شد؛ پس از آنکه این گروه مسئولیت ورود غیرمجاز به پایگاه نیروی هوایی بریتانیا بریز نورتون و پاشیدن رنگ قرمز روی دو جت ترابری نظامی را برعهده گرفت؛ اقدامی که گفته می‌شود حدود ۷ میلیون پوند (حدود

۸ میلیون یورو) خسارت به‌بار آورد. این تصمیم اکنون با شکایت هودا عموری، هم‌بنیانگذار پالستین اکشن به چالش کشیده شده است. او مدعی است این تصمیم حق اعتراض را مختل می‌کند. رونی نیز از لغو این ممنوعیت حمایت کرده است. در ماه آگوست، رونی گفت به استفاده از پلتفرم عمومی و حق‌التالیف‌هایش از جمله آن‌هایی که از اقتباس‌های بی‌بی‌سی از «آدم‌های معمولی» و «گفت‌وگو با دوستان» به دست آمده برای حمایت از گروه «اقدام برای فلسطین» ادامه می‌دهد و تأکید کرد: «اگر این طبق قانون بریتانیا مرا حامی ترور می‌کند، باشد.»

با این حال، این همچنین می‌تواند به این معنا باشد که ناشر بریتانیایی‌اش فیبر و فیبر لیمیتد و بی‌بی‌سی دیگر نتوانند تحت قوانین ضد‌ترور بریتانیا به او حق‌التألیف بپردازند چون ممکن است به تأمین مالی تروریسم متهم شوند. رونی اخیراً سفرش به بریتانیا را نیز به‌دلیل ترس از بازداشت به‌خاطر باورهای سیاسی‌اش لغو کرده است. او هم‌چنین تأکید کرد این ممنوعیت، حقوق ناشرش و حقوق خودش به‌عنوان نویسنده را تهدید می‌کند چراکه اگر حق‌التألیف پرداخت نشود، ناچار می‌شود کتاب‌هایش را از قفسه‌های بریتانیا بردارد یا آن‌ها را داوطلبانه اهدا کند.

در امتداد سنت نافرمانی مدنی

به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین و پرفروش‌ترین نویسندگان بریتانیا در سال‌های اخیر، این می‌تواند ضربه بزرگی به کل بخش وارد کند. به‌ویژه که تا وقتی ممنوعیت برقرار است، ممکن است رونی نتواند در هیچ رویداد بریتانیایی سخنرانی یا شرکت کند. او در اظهاراتش به دیوان عالی که بی‌بی‌سی گزارش کرده، می‌گوید اسرائیل در غزه مرتکب نسل‌کشی می‌شود و اعتراض‌های پالستین اکشن در بریتانیا، ریشه در «سنت طولانی و افتخارآمیز نافرمانی مدنی» دارد. رونی گفت: «خود من علناً از استفاده از اقدام مستقیم، از جمله خرابکاری در اموال، در راه عدالت اقلیمی حمایت کرده‌ام. منطقی است که برای جلوگیری از نسل‌کشی از همین دامنه تاکتیک‌ها حمایت کنم.»

به گزارش گاردین، سرجیمز ایدی‌کی‌سی که به نمایندگی از وزیر کشور سخن می‌گفت، اظهار کرد که پارلمان بریتانیا می‌تواند، نحوهٔ تعریف تروریسم را انتخاب کند. او گفت: «پارلمان تصمیم گرفته، تروریسم چیست که شامل وارد کردن خسارت جدی به اموال نیز می‌شود، چه در کنار آن خشونت علیه افراد باشد، چه نباشد را تعریف کند.» از زمان ممنوعیت گروه «اقدام برای فلسطین» در اوایل ژوئیه بیش از ۱۶۰۰ نفر در ارتباط با این گروه در بریتانیا بازداشت شده‌اند. رونی در یادداشتی که برای گاردین نوشته به تعداد بالای بازداشت‌شدگان اشاره و تأکید کرد: «معترضان مسالمت‌آمیز در تعداد بی‌سابقه‌ای، بازداشت شده‌اند و پیامدهای آن برای زندگی هنری و فرهنگی تازه در حال آغاز شدن است... در حالی که سازمان ملل متحد دریافته است

ناب‌ترین نغمه‌های مردمی

رونمایی از کتاب و آلبوم‌های **مشق نام لیلی** و **هفتاد نغمه در برابر باد** علی اکبر شکارچی

پریسا احدیان

خبرنگار فرهنگی

نهندونوزدهمین شب از مجموعه شب‌های مجلهٔ «بخارا» که به شب رونمایی از کتاب و آلبوم‌های «مشق نام لیلی» و «هفتاد نغمه در برابر باد» تألیف و اجرای علی اکبر شکارچی اختصاص داشت با همراهی فرهنگسرای نیاوران در سالن خلیج‌فارس این فرهنگ‌سرا برگزار شد.

در ابتدای این شب، علی دهباشی ضمن خوشامدگویی به مهمانان، گفت: «آلبوم مشق نام لیلی دربرگیرنده آثاری در موسیقی دستگاهی است. در این آلبوم خوانش آوازهای ابوعطا، بیات ترک، افشاری، دشتی، بیات کرد و آواز بیات اصفهان از ردیف میرزا عبدالله به روایت نورعلی‌خان پرومند با خوانش علی اکبر شکارچی بدون همراهی ساز و با هدف آموزش آوازها ارائه شده است. آلبوم و کتاب هفتاد نغمه در برابر باد شامل آثاری در موسیقی محلی: موسیقی لری، لکی و بختیاری با خوانش علی اکبر شکارچی بدون ساز است. از دیگر بخش‌های این اثر می‌توان به موارد نت‌نویسی آهنگ‌ها، استخراج هجاهای شعری، کارکرد ترانه‌ها، جایگاه رقص در موسیقی اقوام و فقدان آن در موسیقی دستگاهی، تأثیر مهاجرت در موسیقی اقوام، حضور عشق، دلیلی فراوانی موسیقی سوگ در موسیقی زارگرس‌نشینان و... اشاره کرد. هدف، تحلیل و بررسی و آموزش آهنگ‌ها، هویت و رنسانس در موسیقی ایران و با درهم‌آمیزی موسیقی دستگاهی و ترانه‌های محلی است. دو آلبوم «مشق نام لیلی» و «هفتاد نغمه در برابر باد» توسط موسسه فرهنگی هنری کمان آوای آرش منتشر شده است که این موسسه متعلق به خانواده شکارچی است.»

شوق و عشق شکارچی

سپس مهدی آذرسینا، نوازنده و مدرس کمانچه از جایگاه علی اکبر شکارچی در موسیقی ایران چنین گفت: «شوق و عشق اکبر

فیلم خارجی

حماسه‌ای عمیق و تکان‌دهنده

آنچه از تو مانده است تاریخ فلسطین را با يك خانواده روایت می‌کند

است. اگرچه فیلم در بخش‌های آغازین خود از ظرافت و عمق لازم برخوردار نیست اما به‌تدریج به روایتی پخته‌تر و تأثیرگذارتر تبدیل می‌شود که توانسته است، امر شخصی و امر سیاسی را



فیلم سینمایی «آنچه از تو مانده است» روز گذشته در بخش زیتون شکسته چهل‌وسومین جشنواره بین‌الملل فیلم فجر به نمایش گذاشته شد. در این بخش، آثار سینمایی مرتبط با فلسطین و مقاومت مردمانش و جنگ ۱۲ روزه ایران با رژیم صهیونیستی به نمایش گذاشته شده و ۸ فیلم سینمایی بلند به نمایش درمی‌آید و ویدئو یک دقیقه‌ای و عکس‌هایی از جنگ ۱۲ روزه هم به نمایش گذاشته شده است.

فیلم «آنچه از تو مانده است» به کارگردانی شیرین دعیبس روایتی ۷۵ ساله از یک خانواده فلسطینی است که در میان آوارگی، اشغال و زخمی که نسل‌ها دوام می‌آورد به‌دنیال معنا، حافظه و امید می‌گردند. دعیبس این اثر را درست مثل حماسه‌های بزرگ از میانه داستان آغاز می‌کند: جایی که نور، پسر نوجوانی در ناپلس اواخر دهه ۸۰ میان کوچه‌های باریک شهر می‌دود و در لحظه‌ای برق‌آسا با خشونت سربازان اسرائیلی روبه‌رو می‌شود. شروع پرتتش خیلی زود جای خود را به روایتی اعتراف‌گونه می‌دهد: مادر نور، که خود دعیبس نقش او را بازی می‌کند، دوربین را خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید برای فهمیدن داستان پرسش باید گذشته پدر او و نسل‌های پیش‌تر را شناخت. همین قالب‌بندی، جهت‌گیری اصلی فیلم را روشن می‌سازد: ترکیبی از درامی چندلایه و پرتحرک که با لحنی شخصی و بی‌واسطه از مخاطب، طلب شنیده شدن می‌کند.

«فهم زمان حال بدون شناخت گذشته ممکن نیست»، این همان فلسفه راهنمای حماسه خانوادگی «آنچه از تو مانده است» به کارگردانی شیرین دعیبس است. دعیبس دهه‌ها تاریخ فلسطین را از خلال داستان یک خانواده روایت می‌کند؛ خانواده‌ای که زندگی‌شان با تبعید، قفسدان و تروما رقم خورده



تجربه‌ای شاعرانه و مستقل

فرزاد مؤتمن، معتقد است سینمای شاعرانه تماشاگر را به تجربه‌ای فراتر از روایت معمول می‌برد

برای جشنواره ایجاد می‌کند.

این کارگردان در توضیح مفهوم سینمای شاعرانه گفت: شاعرانه بودن در سینما به معنای استفاده مستقیم از شعر یا زبان ادبی در دیالوگ‌ها نیست. سینمای شاعرانه زمانی شکل می‌گیرد که تصویر و صدا همراه شوند و احساسی فراتر از متن ایجاد کنند.

او با اشاره به نمونه‌هایی از سینمای جهان افزود: در آثار گدار یا ویم ویندرس، جابه‌جایی صدا و تصویر لحظاتی شاعرانه می‌سازد و تماشاگر را به تجربه‌ای فراتر از روایت معمول می‌برد. شاعرانه بودن بیش از آنکه به شعرخوانی شخصیت‌ها مربوط باشد از تجربه بصری و شنیداری ناشی می‌شود و در ترکیب خلافتان تصویر، صدا و روایت شکل می‌گیرد.

کارگردان «شب‌های روشن» تأکید کرد که هیچ‌یک از فیلم‌های خود را کاملاً شاعرانه نمی‌داند حتی زمانی که شخصیت‌ها در آنها شعر می‌خوانند. او گفت: در سینمای ایران، شاعرانگی اغلب در بافت فیلم شکل می‌گیرد. منتقدان خارجی به‌دلیل نگاه آگروتیک، برخی فیلم‌های ایرانی را شاعرانه تلقی می‌کنند، در حالی که نگاه مخاطب داخلی متفاوت است و نمی‌توان به‌سادگی چنین برچسبی زد.

مؤتمن درباره تجربه سینمایی دوران کودکی اش گفت: در کودکی به‌دلیل مخالفت مادرم با فیلم‌های ایرانی، بیشتر فیلم‌های خارجی می‌دیدم و «گاو» نخستین فیلم ایرانی بود که تماشا کردم. از نوجوانی با آثار کیمیایی، بیضایی، شهید ثالث و فرمان‌آرا آشنا و به سینمای ایران علاقه‌مند شدم.

این کارگردان با تأکید بر اهمیت ادبیات در سینما گفت: بازگشت به ادبیات و آثار ادبی می‌تواند در خلق فیلم‌نامه‌های قوی و شخصیت‌های ماندگار بسیار مؤثر باشد. سینمای ایران هنوز در ساخت دیالوگ‌های ماندگار مشکل دارد و بهره‌گیری از شعر و ادبیات می‌تواند این کمبود را جبران کند. ادبیات ایرانی ذاتاً توصیفی است و این ویژگی می‌تواند در خلق فضاهای شاعرانه و روایت‌های تصویری کمک‌کننده باشد.

او درباره علاقه‌اش به شعر توضیح داد: هم شعر کلاسیک و هم شعر معاصر را دنبال می‌کنم؛ از سعدی و عطار تا نیما، اخوان، شاملو و فروغ. مقایسه فیلم‌ها و فیلمسازان را مناسب نمی‌دانم و معتقدم هر اثر باید در بستر خودش سنجیده شود.

مؤتمن در پایان با اشاره به محوریت «سینمای شاعرانه» در این دوره از جشنواره جهانی فیلم فجر گفت: توجه جشنواره به پیوند سینما و شعر، اقدامی ارزشمند است و می‌تواند به تقویت هویت و کیفیت سینمای ایران کمک کند. شعر و سینما هر دو زبان جهانی هستند و جشنواره جهانی فیلم فجر می‌تواند، پلی باشد میان هنر ایران و جهان؛ مشروط بر اینکه مدیریت آن پایدار باشد.

رویکرد دوره چهل‌وسوم جشنواره جهانی فجر به گفته دبیر آن، سینمای شاعرانه است و شورای مشاوران تصمیم گرفتند، فیلم‌هایی را برگزینند که با این سینما قرابت و نزدیکی بیشتری داشته باشند. روح‌الله حسینی در نشست خبری هم تأکید کرد که باید صبر و حوصله بیشتری برای تماشای فیلم‌های جشنواره به خرج داد. او از فیلم‌های عباس کیارستمی و مجید مجیدی به‌عنوان سینمای شاعرانه ایران نام برد و خود را علاقه‌مند به سینمای نوری ییلگه جیلان و آنجلو پلوس دانست. سینمای ایران به‌خاطر زبان تصویری منحصر به فرد و روایت‌های شاعرانه‌اش در جهان شناخته شده است. از دهه ۱۳۶۰ به‌ویژه ۱۳۷۰ به بعد موجی از فیلمسازان ایرانی توانستند، سبکی خلق کنند که به آن سینمای شاعرانه یا سینمای تأملی گفته می‌شود. این جریان بیش از آنکه به پیرنگ‌های داستانی کلاسیک وابسته باشد به فضاسازی، تصویرسازی، استعاره‌های بصری و تأملات فلسفی تکیه می‌کند. به همین دلیل فیلم‌هایی که در این ژانر تولید می‌شوند بیش از اینکه قصه‌گو باشند به تصویر، صدا، رنگ، موسیقی و نور وابسته‌اند. سینمای شاعرانه ایران محصول ترکیب سنت‌های فرهنگی (شعر فارسی، عرفان و ادبیات کهن) با فرم‌های مدرن سینماست. همین ویژگی باعث شد که این سینما در جشنواره‌های جهانی، به‌ویژه در اروپا، تحسین و جایگاه ویژه‌ای پیدا کند.

فرزاد مؤتمن، نویسنده و کارگردان سینمای ایران یکی از معدود سینماگرانی است که در تحلیل مباحث تئوریک هم ید طولایی دارد، هم منتقد خوبی است و هم تسلط بسیاری بر سینمای دنیا دارد. او یکی از کارگردانانی است که یکی از بهیاد ماندنی‌ترین فیلم‌های شاعرانه سینمای ایران یعنی «شب‌های روشن» را کارگردانی کرده است؛ فیلم‌نامه این اثر، برداشتی آزاد از داستانی به همین نام، نوشته داستایوفسکی و فیلم ایتالیایی با همین نام است و به‌خوبی می‌تواند درباره این سینما بحث و تحلیل کند. او در این دوره از جشنواره به‌عنوان داور بخش زیتون شکسته به ارزیابی فیلم‌های این بخش می‌پردازد.

فرزاد مؤتمن با اشاره به ویژگی‌های متمایز چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر تأکید کرد که برگزاری این دوره در شیراز و تمرکز آن بر «سینمای شاعرانه» می‌تواند، فصل تازه‌ای در هویت این رویداد ایجاد کند. این کارگردان و تهیه‌کننده سینما با اشاره به تغییرات مهم این دوره گفت: جشنواره پس از چند سال دوباره به‌صورت مستقل از بخش مسابقه سینمای ایران برگزار می‌شود و زمان آن نیز از بهمن ماه مرسوم فاصله گرفته است. مهم‌تر اینکه برای نخستین‌بار جشنواره از تهران خارج شده و در شیراز برگزار می‌شود؛ شهری که پیوند تاریخی و فرهنگی عمیقی با ادبیات و شعر دارد. او انتخاب شیراز را تصمیمی هوشمندانه و الهام‌بخش دانست و افزود: شیراز با هویت ادبی‌اش، فضای متفاوتی



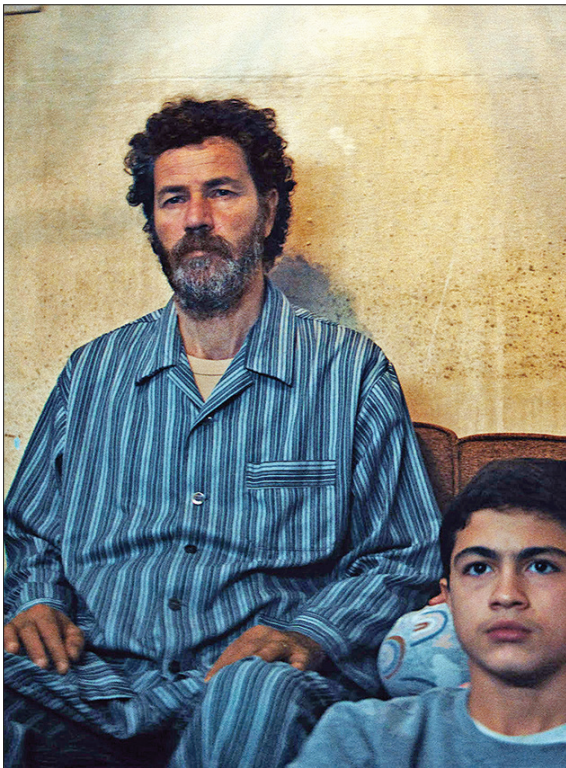
بگذرند وگر نه موسیقی و فرهنگ و زبان‌شان تهی می‌شود. زبان لری، فارسی، لکی و... که مورد بحث من است از عناصر مهم یک سرزمین هستند. هر زبانی، المان‌های فرهنگی خود را دارد. با زبان است که مرزهای جغرافیایی جدا می‌شود. من در ۷۰ نغمه موقعیت‌های جغرافیایی این سه قوم را تفکیک کرده‌ام. برخی از زبان‌ها بسیار محکم و دارای انسجام است و مردم منطقه هم آدهای منظمی هستند. برخی زبان‌شان عاشقانه است و برخی زبان‌ها دو پهلو هستند. زمانی که من حرف می‌زنم اگر کسی مفاهیم کلمات مرا نفهمد، صوت مرا می‌فهمد و این با موسیقی هم‌جنس است. اگر ما بپذیریم که این‌ها یک جنس هستند در زمانی که کلام را حذف کنید، می‌توانید از تمام موسیقی ملل جهان بدون اینکه زبان‌شان را بدانید، لذت ببرید. به نظرم ردیف‌سازی، نمونه‌ای مدرن است و نو و پویا که برای آموزش زبان مادری موسیقی است که از گذشته‌های دور بوده است و ریشه کهن دارد. گذشته‌ای که ایستا و مدفون شده نیست. گذشته‌ای که به زندگی امروز ما شخصیت هویتی، روانی و فرهنگی می‌دهد. در محتوای تمام‌شان نیروی حیاتی وجود دارد و نفسی که موسیقی ما می‌کشد از حیاتی است که از طرف این‌ها به موسیقی ما میدیده شده است.»

در پایان این شب، علی‌اکبر شکارچی و آساره شکارچی به اجرای موسیقی پرداختند.

شکارچی به ارزش موسیقی و هویت اشاره داشت و گفت: «موسیقی دستگاهی و موسیقی محلی، دو عنصر مهم در هویت یک سرزمین است. هویت یعنی من حضور دارم و هستم. وجود دارم. اما وجود زمانی معنا پیدا می‌کند که کاری انجام دهی! بنابراین نگهداری موسیقی سرزمین ما یک هویتی برای مردم به وجود می‌آورد که قلب، روح و خانه مردم است. احساس هویت داشتن در نوجوانی در انسان به‌وجود می‌آید و اگر جامعه و خانواده و محیط نتواند به این پاسخ دهد و این احساس را بیرورناند، او دچار ناملایمات اجتماعی می‌شود. بنابراین بیایید کاری کنیم تا بچه‌های ما با شعر و موسیقی آمیخته شوند. نگذارید روزگارتان بدون صوت و نغمه و موسیقی بگذرد و موسیقی گوش دهید و سعی کنید، اشعار زیبای این سرزمین‌مان را حفظ کرده و از سختی‌ها عبور کنیم. متأسفانه امروزه مهاجرت تأثیر بسیار مخربی بر جامعه ما گذاشته است و از بی‌هویتی رنج می‌بریم. البته برخی خانواده‌ها بر این موضوع آگاه هستند و می‌دانند نباید بچه‌ها هویت فرهنگی پدران و مادران خود را از دست بدهند. محتوای جشنواره‌های موسیقی از نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد در مهاجرت‌ها، نوع موسیقی‌شان بخشی از هویت مهم مردم است. اما با موسیقی فضای مجازی و پاپ یک درهم‌آمیزی به‌وجود آمده که امیدوارم به خیر بگذرد! و به سمتی برود تا دانشی کسب کنند و با دانش از این شرایط

به‌طرزی مؤثر در هم بیامیزد.

فیلم با بازگشت به نکیت با همان فاجعه آواره کردن و سلب مالکیت خشونت‌بار فلسطینیان و نابود کردن جامعه، فرهنگ، هویت، حقوق سیاسی و آمال ملی آنها در ۱۹۴۸ پایه‌های خود را محکم می‌کند؛ زمانی که شریف و منیرا، پدر بزرگ و مادر بزرگ نور، خانه اعیانی و باغ پرتقال خود در یافا را از دست می‌دهند و شریف یک سال را در اردوگاه اسرا می‌گذرانند. دعیبس این بخش را با ژست تاریخی باشکوهی روایت می‌کند؛ آدم‌هایی شریف و آراسته که در موج بی‌عدالتی، بی‌اختیار جابه‌جا می‌شوند. این صحنه‌ها در عین قدرت احساسی‌شان، گاهی کارکرد آموزشی پیدا می‌کنند و برای مخاطبانی ساخته شده‌اند



که شاید آشنایی چندانی با نکیت، قیومیت بریتانیا یا کشتار دیر یاسین نداشته باشند.

اما نقطه قوت اصلی فیلم در میانه مسیر خود را آشکار می‌کند؛ جایی که فیلم از عرصه تاریخ‌گویی فاصله می‌گیرد و به زندگی روزمره، سنت‌ها، سازگاری‌ها و خردترین لحظات انسان‌های تحت اشغال نزدیک می‌شود. دعیبس با دقت و صوری رقص‌های یک عروسی، درس دادن‌های سلیم بزرگسال و نیز تماشای ویدئوهای وطن ازدست رفته را ثبت می‌کند؛ لحظاتی که با وجود سادگی، بار عاطفی سنگینی دارند.

فیلم تدریجی، مخاطب را وارد دنیای شکننده یک خانواده می‌کند: اصرار سلیم برای رها کردن گذشته، اصرار شریف برای حفظ حافظه قومی و اصرار نور برای مقاومت عملی.

اما این تعادل ناپایدار دوام نمی‌آورد. نیمه دوم فیلم با بازگشت به جراحات نور در جریان انتفاضه اول، وارد مسیری تاریک‌تر و پیچیده‌تر می‌شود؛ بروکراسی مرگبار، تصمیم‌هایی غیرقابل تصور و حقیقت‌هایی تلخ درباره انسانیت مشترک و گاه فراموش شده. چیزی که «آنچه از تو مانده است» را از بسیاری آثار هم‌موضوع متمایز می‌کند، توانایی آن در طرح پرسش‌هایی عمیق و بدون پاسخ روشن است: تروما چگونه به کینه بدل می‌شود؟ مسئولیت اخلاقی در برابر امنیت خانواده چیست؟ چه کسی باید بماند و چه کسی می‌تواند برود؟ یک پسر چگونه تحقیر روزانه پدرش را در نظامی سرکوبگر هضم می‌کند؟ و سرانجام، چگونه زندگی - حتی تحت اشغال - همچنان ادامه می‌یابد؟

دعیبس با ترکیب درامی بزرگ و لحظات صمیمانه، فیلمی می‌سازد که هم از نظر احساسی تکان‌دهنده است و هم از نظر سینمایی غنی و چندلایه که نه فقط روایتی از رنج بلکه تأملی ژرف بر حافظه، هویت و بهای مقاومت است.

دعیبس با ترکیب حماسه‌ای تاریخی و لحظاتی خرد و انسانی، فیلمی خلق کرده که هم از نظر احساسی تکان‌دهنده است و هم از نظر روایی و سینمایی غنی، چندلایه و عمیق. «آنچه از تو مانده است» تنها روایتی از رنج نیست؛ تأملی است بر هویت، حافظه، ریشه‌ها و بهای مقاومت.

فیلمی که می‌خواهد به سهم خود، بخشی از حافظه تاریخی یک ملت را از خطر فراموشی نجات دهد.



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

پایتخت مدرسه‌های بین‌المللی

دوبی چگونه شهر مهاجران ثروتمند شد؟

مهتا معرفت

متروم

وقتی والدین از ملیت‌های مختلف در کنار هم مقابل در ورودی یکی از مدرسه‌های بین‌المللی دوبی منتظر زنگ پایان کلاس می‌ایستند، شهر تصویری روشن از خودش ارائه می‌دهد. شهری که ثروتمندان از سراسر جهان نه فقط برای تجارت و سرمایه‌گذاری بلکه برای ساختن آینده‌فرزندانشان گرد هم آمده‌اند. دوبی آرام‌آرام به مقصدی بدل شده که خانواده‌های مرفه برای امنیت، سبک زندگی لوکس و آموزش بی‌مرز انتخاب می‌کنند؛ شهری که حالا بیش از هر زمان دیگری شبیه خانه‌ای دوم برای مهاجران ثروتمند جهان است.

دوبی در چند دهه گذشته از یک بندر تجاری نسبتاً کوچک به شهری جهانی و مرکز تجمع ثروتمندان و متخصصان بین‌المللی تبدیل شده است. یکی از مهم‌ترین نشانه‌های این تحول، وجود حدود ۲۲۰ مدرسه بین‌المللی در این شهر است؛ رقمی که بیش از هر شهر دیگری در جهان ثبت شده و خود به شاخصی از سطح تقاضا، مهاجرت و استانداردهای زندگی در دوبی بدل شده است. اما اینکه چگونه دوبی به چنین شهری برای مهاجران ثروتمند تبدیل شد، داستانی چندلایه و حاصل سیاست‌گذاری هدفمند، سرمایه‌گذاری گسترده و ایجاد شرایطی است که زندگی لوکس، امنیت و فرصت‌های مالی را هم‌زمان در اختیار ساکنان قرار می‌دهد. دوبی از مدت‌ها پیش به عنوان شهری معرفی شد که قوانین مالیاتی آن برای سرمایه‌گذاران جذاب است؛ نبود مالیات بر درآمد شخصی و فراهم بودن بسترهای امن برای سرمایه‌گذاری سبب شد کارآفرینان، مدیران ارشد و خانواده‌هایی که به دنبال مدیریت بهتر ثروت خود هستند این شهر را به عنوان مقصد انتخاب کنند. اما جذابیت دوبی تنها به مالیات محدود نیست. امنیت فوق‌العاده بالا، زیرساخت‌های مدرن، دسترسی جهانی از طریق یکی از مهم‌ترین فرودگاه‌های بین‌المللی جهان و سبک زندگی جذاب با امکانات تفریحی، خرید و خدمات لوکس، همگی نقش مهمی در شکل‌گیری تصویر امروزی دوبی دارند. با افزایش مهاجرت ثروتمندان، نیاز به خدماتی که متناسب با استانداردهای زندگی آنان باشد نیز افزایش یافت؛ از جمله نظام آموزشی بین‌المللی، به‌تدریج مدارس معتبر از کشورهای مختلف در دوبی شعبه تأسیس کردند و خانواده‌هایی که پیش‌تر نگران آموزش فرزندان خود بودند با دیدن این حجم از تنوع و کیفیت در سیستم آموزشی، تصمیم مهاجرت خود را با اطمینان بیشتری گرفتند. مدارس بین‌المللی در دوبی برنامه‌های آموزشی مختلفی از جمله آی‌بی، بریتانیایی، آمریکایی، فرانسوی، آلمانی و حتی سیستم‌های آسیایی ارائه می‌دهند و این تنوع سبب می‌شود، خانواده‌هایی از فرهنگ‌ها و ملیت‌های گوناگون احساس کنند که فرزندانشان بدون اختلال در مسیر تحصیلی می‌توانند در دوبی به تحصیل ادامه دهند. همچنین سطح بالای امکانات آموزشی، کلاس‌های مجهز، برنامه‌های فوق‌برنامه گسترده و تأکید بر پرورش مهارت‌های جهانی باعث شده، آموزش در دوبی با بسیاری از شهرهای پیشرفته رقابت کند یا حتی از آنها پیشی هم بگیرد. این مدارس تنها مکان‌های آموزشی نیستند؛ بلکه شبکه‌های اجتماعی مهمی برای خانواده‌های ثروتمند ایجاد می‌کنند، والدینی که اغلب در حوزه‌های مالی، تکنولوژی، تجارت یا مدیریت فعالیت می‌کنند در این محیط‌ها، ارتباطات ارزشمند جدیدی می‌سازند و همین شبکه‌ها به یکی از دلایل تقویت حضور افراد ثروتمند در دوبی تبدیل شده است. از سوی دیگر دولت دوبی نیز به‌صورت آگاهانه مسیر را برای مهاجرت خانواده‌های مرفه هموارتر کرده است. اعطای ویزاهای بلندمدت، ویزای طلایی، امکان خرید ملک برای خارجی‌ها و سیاست‌های باز اقتصادی همه عواملی بودند که مهاجرت را ساده و سرمایه‌گذاری را مطمئن کردند. در کنار این موارد، تصویر مدرنی که دوبی از خود ارائه می‌دهد- شهری امن، آرام، تکنولوژیک، بدون محدودیت‌های سختگیرانه اجتماعی و دارای کیفیت بالای خدمات- به‌ویژه در سال‌های اخیر برای خانواده‌هایی که به دنبال ثبات و آسایش هستند بسیار جذاب بوده است. در واقع مدارس بین‌المللی در دوبی نه‌تنها پاسخ به نیاز مهاجران هستند بلکه خود تبدیل به یکی از موتورهای محرک جذب سرمایه انسانی و مالی شده‌اند. زمانی که خانواده‌های ثروتمند احساس کنند، فرزندان‌شان بهترین آموزش ممکن را دریافت خواهند کرد، تصمیم‌گیری برای تغییر کشور و سرمایه‌گذاری در شهری جدید بسیار آسان‌تر می‌شود. دوبی به‌خوبی این نیاز را درک کرده و آن را به فرصت تبدیل کرده است. این ترکیب هوشمندانه از سیاست‌های اقتصادی، شهری و آموزشی است که دوبی را از یک مقصد تجاری منطقه‌ای به یکی از محبوب‌ترین شهرهای جهان برای مهاجران ثروتمند تبدیل کرده و همچنان این روند با سرعت ادامه دارد.

زیست‌سخت

ایران چگونه برای زندگی نامناسب شد؟

جمشید پیش‌قدم

تحلیلگر اقتصاد

امید، جوانی است در آستانه بیست‌وچندسالگی که این روزها میان ماندن و رفتن معلق مانده؛ دقت‌ری از رؤیاهای نیمه‌تمام پیش چشمش باز است و پشت سرش سرزمینی که هر روز زیستن در آن سخت‌تر می‌شود. او تنها نیست؛ هزاران جوان دیگر نیز مانند او تصمیم مهاجرت را در ذهن می‌پروراند. بسیاری تصور می‌کنند، مهاجرت تنها دلایل سیاسی یا اقتصادی دارد اما واقعیت امروز چیز دیگری است: نداشتن چشم‌انداز روشن، فرسایش امید و کاهش زیست‌پذیری سرزمینی به یکی از مهم‌ترین محرک‌های مهاجرت نسل جوان تبدیل شده است. پرسش اصلی این است که چرا زیست‌پذیری سرزمین ما تا این اندازه کم شد؟

امید، یکی از هزاران جوانی است که در آستانه مهاجرت قرار گرفته است. او نه فعال سیاسی است و نه گرفتار بحران اقتصادی شدیدی اما احساس می‌کند در سرزمینی که در آن به دنیا آمده، فرصت زیستن باکیفیت، آینده روشن و امکان رشد، روزبه‌روز محدودتر می‌شود. برای او و بسیاری جوانان دیگر، پرسش اصلی این

است که چرا زیست‌پذیری ایران تا این اندازه کاهش یافته است؟ داستان این روزهای زندگی در ایران، غم عمیقی را در خود جای داده است. خشکسالی، آینده‌ای نگران‌کننده برای همه شهرهای کشورمان شکل داده است. مردم شهرهای بزرگ و کوچک نمی‌دانند، ذخایر آب تا کی جوابگوی نیاز آنهاست. توفان‌های گردوغبار که پیش از این، یک‌بار در سال به‌سرعت می‌آمد و می‌گذشت حالا به پدیده تکراری زندگی مردم تبدیل شده و هرازگاهی، سالمندان و افراد آسیب‌پذیر را خانه‌نشین می‌کند. قطع هر روزه برق در تابستان و روزهای گرم سال و نگرانی برای قطع گاز در روزهای سرد، دغدغه‌های تازه‌ای برای مردم ایجاد کرده و سبک زندگی آنها را تغییر داده است. فعالان صنفی و صنعتی هم از توزیع نامطلوب انرژی آسیب‌های زیادی دیده‌اند و زیان‌های ناشی از عدم‌النفع فعالیت، باعث شده مشکلات بزرگ درباره پرداخت‌ها و ارائه دستمزد کارکنان‌شان داشته باشند.

در کنار آن، افزایش قیمت کالاهای اساسی در کنار دستمزدهای ناکافی، توانایی مردم را برای تأمین نیازهای زندگی با مشکل مواجه کرده و آرامش زندگی آنها را بر هم زده است. فرونشست هم به جمع نگرانی‌های مردم اضافه شده و روزی نیست که خبر جدیدی از شرایط نامطلوب این پدیده زیست‌محیطی که تا کنار دیوار خانه‌های ما رسیده به گوش

بازار سهام

هژمونی احتیاط

چرا رشد دیروز بازار سهام اندک بود؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بازار سهام دیروز در فضایی آغاز شد که نشانه‌هایی از تردید و احتیاط در میان معامله‌گران مشاهده می‌شد. شاخص کل در همان دقایق ابتدایی معاملات با فشاری محدود مواجه شد و تا حدود ۱۲ هزار واحد کاهش یافت. این افت در نگاه اول می‌توانست نشانه‌ای از ادامه فشارهای فروش روزهای گذشته باشد اما واکنش سریع تقاضا و چرخش رفتار معامله‌گران باعث شد، شاخص کل به‌سرعت از محدوده منفی فاصله بگیرد. جریان تقاضا به‌خصوص در نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز تقویت شد و همین موضوع موجب شد نه‌تنها افت اولیه جبران نشود بلکه شاخص کل اندکی نیز در مسیر مثبت حرکت کند. این بازگشت سریع، نشانه‌ای از تمایل بازار

نرسد. زیرساخت‌های عمومی ناکافی، حمل‌ونقل غیرقابل اعتماد و چالش‌های عجیب‌وغریب زندگی در ایران، حس ناامیدی فزاینده‌ای را به مردم تزریق کرده و باعث شده، زیست روزمره جامعه ایران با مشکلات بزرگ روی‌رو شود. این داستان هر روز برای بسیاری از مردم در سراسر ایران تکرار می‌شود. پرسش اصلی اینجاست که چرا این مشکل در ایران ایجاد شده است؟ سوءمدیریت‌ها چگونه زندگی در ایران را سخت کرده‌اند و ناترازی‌ها تا چه اندازه باعث شده، نارضایتی در سطح زندگی روزانه تأثیرگذار باشد؟ و پرسش مهم‌تر این است که دولت و نظام حکمرانی چگونه می‌توانند دوباره



زیست‌پذیری در سرزمین ایران را به شرایط مطلوب بازگردانند؟ زیست‌پذیری یک سرزمین یعنی کیفیت زندگی، امنیت، ثبات، امکان برنامه‌ریزی برای آینده، دسترسی به شغل مناسب، آموزش، سلامت، محیط‌زیست سالم و فضایی که انسان بتواند در آن احساس امید و امکان رشد داشته باشد. زیست‌پذیری سرزمینی یعنی اینکه یک سرزمین تا چه اندازه شرایط لازم برای یک زندگی باکیفیت، پایدار و قابل پیش‌بینی را برای شهروندانش فراهم می‌کند. این مفهوم تنها به داشتن خانه و شغل محدود نمی‌شود؛ ترکیبی از امنیت اقتصادی، ثبات اجتماعی، دسترسی به آموزش و سلامت مناسب، امکان برنامه‌ریزی برای آینده، کیفیت محیط‌زیست، آزادی‌های فردی، زیرساخت‌های شهری کارآمد و احساس امید و تعلق به سرزمین است. وقتی مردم بتوانند در جایی احساس آرامش، رشد، امنیت روانی و فرصت‌های واقعی برای ساختن آینده داشته باشند، آن سرزمین زیست‌پذیر است. اما اگر شرایط اقتصادی ناپایدار شود، محیط‌زیست آسیب ببیند، آینده مبهم شود، کیفیت خدمات و زیرساخت‌ها افت کند یا افراد احساس کنند، نمی‌توانند مطابق ارزش‌ها و نیازهای خود زندگی کنند، زیست‌پذیری سرزمین کاهش می‌یابد. در واقع زیست‌پذیری سرزمینی، معیار گسترده‌ای است که نشان می‌دهد یک کشور یا شهر تا چه اندازه برای ماندن، زندگی

کردن و ساختن آینده جذاب یا دست‌کم قابل تحمل است. یکی از نخستین عواملی که این زیست‌پذیری را تضعیف کرده، ناپایداری اقتصادی است. تورم مزمن، تغییرات مداوم در سیاست‌گذاری‌ها، کاهش قدرت خرید و نبود چشم‌انداز روشن برای بهبود شرایط باعث شده بسیاری از خانواده‌ها احساس کنند که برنامه‌ریزی بلندمدت بی‌معناست. جوانی که نمی‌تواند آینده کاری و مالی خود را تصور کند به‌طور طبیعی به ترک سرزمین خود فکر می‌کند.

عامل دیگر، فرسایش امید اجتماعی است. امید یک دارایی جمعی است که در اثر تکرار بحران‌ها، نبود گفت‌وگو، فاصله میان جامعه و تصمیم‌گیران و ناتوانی در مشاهده تغییرات مثبت از بین می‌رود. وقتی جوان احساس کند صدایش شنیده نمی‌شود، مسیر پیشرفت مبهم است و فرصت‌های برابر وجود ندارد، زیست‌پذیری سرزمین برای او کاهش می‌یابد حتی اگر مشکلات اقتصادی شدیدی هم نداشته باشد.

از سوی دیگر، محیط‌زیست و بحران‌های اکولوژیک نیز سهم مهمی در کاهش کیفیت زیستن دارند. کم‌آبی، فرونشست زمین، آلودگی هوا، نابسامانی مدیریت منابع طبیعی و کاهش امنیت زیست‌محیطی سبب شده برخی مناطق کشور نسبت به گذشته، امکان زیست‌پذیری کمتری داشته باشند. این بحران‌ها نه‌تنها سلامت افراد را تهدید

می‌کند بلکه احساس امنیت بلندمدت نسبت به سرزمین را از بین می‌برد. کیفیت زیرساخت‌های اجتماعی و شهری نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. ازدحام، ترافیک شدید، ناکارآمدی حمل‌ونقل عمومی، کمبود فضاهای عمومی، کیفیت پایین خدمات شهری و آموزشی در برخی مناطق باعث شده، استاندارد زندگی در مقایسه با بسیاری از کشورها برای بخشی از جامعه پایین‌تر باشد. در کنار این مسائل، محدودیت در آزادی‌های فردی و اجتماعی و احساس نبود امکان برای سبک زندگی متنوع نیز باعث می‌شود، افراد حس کنند مطابق ارزش‌ها و انتخاب‌های شخصی خود نمی‌توانند زندگی کنند. زیست‌پذیری فقط به آب و هوا و اقتصاد مربوط نیست؛ احساس آزادی، امنیت روانی و امکان بروز هویت فردی نیز بخشی اساسی از آن است. در مجموع، کاهش زیست‌پذیری نتیجه همزمان مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیط‌زیستی و ساختاری است. وقتی جوانان احساس می‌کنند آینده سرزمینشان پیش‌بینی‌پذیر نیست، فرصت‌ها محدود است، کیفیت زندگی کاهش یافته و امید جمعی فرسوده شده، طبیعی است که مهاجرت برایشان به گزینه‌ای جدی تبدیل شود. پرسش «چرا زیست‌پذیری سرزمین ما کم شد؟» فقط یک پرسش تحلیلی نیست؛ زنگ خطری است برای بازاندیشی در مسیر توسعه، حکمرانی و آینده‌سازی این سرزمین.

قرار گرفت که با وجود مثبت بودن از برتری قاطع خریداران حکایت ندارد؛ بلکه نشان‌دهنده تعادل نسبی میان خریداران و فروشندگان است. با این حال خروج ۴۶۷ میلیارد تومان پول حقیقی نشان می‌دهد، بخشی از سرمایه‌گذاران ترجیح داده‌اند نقد باقی بمانند و منتظر شفافیت بیشتر در فضای سیاسی و اقتصادی باشند. در سوی دیگر بازار، صندوق‌های درآمد ثابت نیز برای چندمین روز متوالی شاهد خروج نقدینگی بودند.

دیروز حدود ۱،۶۲۳ میلیارد تومان از این صندوق‌ها خارج شد. این روند می‌تواند نشان‌دهنده دو رویکرد متفاوت باشد: یا سرمایه‌گذاران به دنبال بازدهی بالاتر در بازارهای پربازده‌تر هستند، یا بخشی از نقدینگی در حال جابه‌جایی میان ابزارهای مالی با دوره‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌تر است. در سطح نمادها نیز بازار چهره‌ای متعادل داشت. از میان سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی ۴۱۹ نماد در محدوده مثبت و ۳۹۳ نماد در محدوده منفی معامله شدند. این تعادل نسبی باعث شد، بازار با وجود نوسانات ابتدایی در فضای کم‌تشنج‌تری ادامه یابد. صف‌های خرید با ۱۱۸ مورد در برابر ۶۶ صف فروش نیز از برتری محدود تقاضا حکایت داشت. در دقایق پایانی معاملات، ارزش سفارش‌های خرید به ۱،۷۹۵ میلیارد تومان رسید، در حالی که سفارش‌های فروش ۷۰۳ میلیارد تومان بود؛ اختلافی که نشان می‌دهد، بخش قابل‌توجهی از معامله‌گران نسبت به ادامه روند بازار خوش‌بین بودند.

اتاق گاز

ردپای مرگ ۳۵۷ تهرانی در سایه بی‌عملی مسئولان

گروه اجتماعی: بحران آلودگی هوا در کلان‌شهرهای ایران، به‌ویژه در پایتخت، از یک دغدغه زیست‌محیطی فصلی عبور کرده و به یک تراژدی مزمن و فاجعه انسانی جاری بدل شده است. این وضعیت دیگر صرفاً ناشی از وارونگی دما نیست؛ بلکه یک سند رسمی و غیرقابل انکار از شکست مدیریتی، بی‌عملی نهادهینه شده و تضاد منافع در سطوح مدیریتی مسئولان کشور است. آمارها و گزارش‌های رسمی، اثبات می‌کنند که سلامت و جان شهروندان ایرانی به‌طور مستقیم تحت‌تأثیر ناتوانی دستگاه‌های متولی در اجرای قانون است و این وضعیت، فصلی از مرگ‌ومیر زود هنگام را رقم زده که ریشه در تعلل ساختاری دارد.

جدیدترین داده‌های رسمی از پایتخت، ابعاد تکان‌دهنده‌ای از بحران را افشا می‌کند. توکلی، رئیس مرکز اورژانس استان تهران، در گزارشی تکان‌دهنده اعلام کرد که در ۸ روز اخیر همزمان با اوج‌گیری موج جدید آلودگی ۵۷ هزار تماس اضطراری افزایش یافته و متأسفانه ۳۵۷ مورد فوت در استان ثبت شده است. کارشناسان بهداشتی صراحتاً نقش آلودگی هوا را در بخشی از این مرگ‌ومیرها تأیید می‌کنند. این آمار ادامه روندی نگران‌کننده است؛ در آبان ماه ۲۲۷ هزار تماس با اورژانس برقرار شده که ۲۲ درصد آنها مستقیماً مرتبط با مشکلات تنفسی و قلبی ناشی از آلودگی هوای کلانشهر تهران و استان بوده‌اند. این یعنی از هر ۵ تماس اضطراری یکی مستقیماً مرتبط با هوایی است که شهروندان در آن گرفتار شده‌اند. این اعداد بیش از آنکه آماری خشک باشند، نشانگر زندگی‌هایی هستند که در اتاق گاز پنهان

شهر، خاموش شده‌اند. ریشه اصلی این مرگ‌ومیرهای زنجیره‌ای در بی‌مسئولیتی نهادهای متولی است. قانون هوای پاک که در سال ۱۳۹۶ تصویب شد، سندی جامع است که ۲۳ دستگاه اجرایی مختلف- از وزارت نفت و صمت تا شهرداری‌ها و سازمان محیط‌زیست- را به وظایف مشخصی مکلف کرده است. با این حال گزارش رسمی دیوان محاسبات کشور، قلب بحران را نشانه می‌رود و نشان می‌دهد که نرخ اجرای کلی قانون هوای پاک توسط این ۲۳ دستگاه، تنها ۹ درصد از صد درصد تعیین شده است. این آمار به منزله یک حکم قطعی بر قصور دولتی است. اینکه چگونه دستگاه‌هایی با وظایف قانونی مشخص توانسته‌اند سال‌ها با چنین نرخ پایدینی از اجرا از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند، خود سوالی است که بی‌عملی و عدم پاسخگویی را در این ساختار تأیید می‌کند و نشان می‌دهد، مشکل در بالاترین سطح یعنی شکست اراده سیاسی برای حفظ جان مردم است.

یا مازوت یا سوخت بی کیفیت

بحران کنونی، نتیجه هم‌افزایی چند عامل است که تماماً تحت‌تأثیر تصمیمات مدیریتی قرار دارند. با آغاز فصل سرد و افزایش مصرف گاز خانگی، ناگزیر نیروگاه‌ها و صنایع بزرگ به سوخت‌های مایع روی می‌آورند. در روزهای اخیر جهش نگران‌کننده‌ای در آلوده سمی دی‌اکسید گوگرد (SO۲) در پایتخت ثبت شده است. این آلوده، محصول احتراق سوخت‌های نفتی پرگوگردی مانند مازوت یا گازوئیل‌های

رسانه

سنگ‌پرانی به تاریخ ایران

وقتی جهل میراثی، سیبل خشونت نمادین می‌شود



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

بخش قسمت‌های اخیر مسابقه «بازمانده» در شبکه نمایش خانگی، نه‌تنه‌ای یک اتفاق سرگرم‌کننده نبود بلکه یک زنگ خطر جدی فرهنگی بود که باید آن را مصداق بارز یک فاجعه میراثی در رسانه‌های عمومی دانست. صحنه‌هایی که در آن شرکت‌کنندگان با هیجان و تشویق مجریان به‌سوی نمادهایی چون درفش کاویانی، شیر دال و سرستون‌های تخت‌جمشید، سنگ و کیسه شنی پرتاب می‌کنند تا پازل هویتی ما را «بشکنند»، نمایش سخیفی از بی‌تفاوتی و حتی تعارض آگاهانه یا ناآگاهانه با هویت تاریخی یک ملت است. این اقدام فراتر از یک سوء تفاهم ساده یا اشتباه سهوی در انتخاب المان‌های بازی است؛ این پرتاب سنگی به قلب تمدن ایران‌زمین است.

سنگ‌پرانی، ترویج وندالیسم نمادین

در روان‌شناسی جمعی و تاریخ اجتماعی پرتاب سنگ یک کنش خنثی نیست. این عمل، ریشه در اعتراض، تخریب و حمله دارد. وقتی این مکانیسم فیزیکی با مهم‌ترین نشانه‌های هویت ایرانی پیوند می‌خورد، اثر آن

در ناخودآگاه جمعی، ترویج وندالیسم نمادین است. سازندگان برنامه با این انتخاب، چه آگاهانه و چه در سایه «فقدان سواد میراثی» مرز باریک میان طنز و توهین را دریندد. درفش کاویانی در اسطوره‌های ما پرچم دادخواهی کاوه آهنگر علیه ظلم ضحاک است؛ نماد مقاومت در برابر بیداد. شیر دال (گرغین)، نگهبان اساطیری خرد، قدرت و صلح در نگاه هخامنشیان است. تخت‌جمشید نیز نه صرفاً یک بنا بلکه سند مکتوب نظم، مدارا و «دیدارگاه ملت‌ها» است. هدف قرار دادن این نمادها به‌منظور «تخریب» و «امتیاز گرفتن» در یک بازی سطحی از لحاظ فرهنگی، مصداق تحقیر ارزش‌های کهن و انکار ریشه‌های تمدنی است که جهان را وادار به احترام به ایران کرده است.

نبود سواد میراثی، غیبت اخلاق رسانه‌ای

علیرضا حسن‌زاده، دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی به‌دروستی اشاره می‌کند که در رسانه‌های حرفه‌ای دنیا یک «منشور اخلاقی» حکمفرماست که براساس آن، نمادهای هویتی و ملی هرگز نباید مورد خشونت نمادین یا توهین قرار بگیرند. این نمایش، ناقض بدیهی‌ترین اصول اخلاق رسانه‌ای بود.

انتخاب المان‌های خنثی برای هدف‌گیری، نه کار پیچیده‌ای است و نه به خلاقیت کمتری نیاز دارد. اصرار بر استفاده از نگاره‌های تخت‌جمشید، نشان‌دهنده دو حالت محتمل است: یا عامدانه بودن تخریب هویت (که فرض بدبینانه‌ای است)؛ یا محتمل‌تر از آن، فقدان سواد



میراثی عمیق در تیم تولید. سواد میراثی صرفاً یک دانش آکادمیک نیست بلکه یک خودآگاهی ملی است که منجر به حس تعلق و تعهد اجتماعی نسبت به تاریخ می‌شود. وقتی تهیه‌کنندگان یک برنامه پرمخاطب فاقد این سواد باشند، نتیجه آن چیزی جز تضعیف و به حاشیه راندن هویت ملی در برابر سرگرمی‌های زودگذر نیست.

این کار به‌طور خطرناکی می‌تواند باعث گسست میان‌نسلی شود؛ چراکه میراث فرهنگی زمانی «میراث زنده» است که بتواند ارتباط و انتقال معنای خود را میان نسل‌ها حفظ کند. چنین برنامه‌ای به‌طور علنی، این اتصال حیاتی را قطع می‌کند.

پاسخ عوامل، عذر بدتر از گناه

واکنش عوامل برنامه مبنی بر اینکه «قصد نمایش هویت ملی را داشتیم و انتظار واکنش منفی نداشتیم» به مراتب از خود اقدام اولیه، نگران‌کننده‌تر است. این توجیه، عمق بی‌توجهی و ناآگاهی نسبت به بار معنایی نمادها را نشان می‌دهد. چطور می‌توان با «تخریب» به «هویت» احترام گذاشت؟ این پاسخ پذیرفتنی نیست و در واقع عذر بدتر از گناه است. این اتفاق یک شکست بزرگ برای هنرمندانی مانند سیامک انصاری و مهران غفوریان است که خاطرات جمعی مردم را در ذهن داشتند. امروز بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی، آنها را «بازنده اصلی مسابقه» می‌دانند و این نشان می‌دهد که هنرمندان نیز در قبال محتوایی که تولید یا اجرا می‌کنند، مسئولیت اخلاقی سنگینی دارند.

عدالت میراثی و مطالبات عمومی

همان‌طور که کارشناسان بارها تأکید کرده‌اند یکی از مطالبات جدی و مغفول‌مانده مردم ایران، توجه و احترام به تاریخ ایران‌باستان است. اینجاست که مفهوم «عدالت میراثی» مطرح می‌شود: شما نمی‌توانید بخشی از تاریخ را انکار، تحقیر یا سرکوب کنید. تاریخ ایران‌باستان، نظامی مبتنی بر صلح و مداراست که در سال‌های اخیر در متون درسی و تولیدات رسانه‌ای مورد بی‌مهری قرار گرفته است. تحقیر آن در یک برنامه پرمخاطب، اوج بی‌عدالتی فرهنگی است. در زمانه‌ای که کشورهای همسایه به‌دنبال مصادره مشاهیر و اسطوره‌های ایران هستند، ما در داخل با داستان خدومان و به بهانه «سرگرمی»، نمادهای اصالت خود را سیبل پرتاب می‌کنیم. این اقدام، چه سهوی و چه عمدی، نشانه‌ای قوی از بی‌توجهی فرهنگی عمیق است که نیاز به اصلاحات فوری دارد. سازندگان «بازمانده» نه‌تنها باید فوراً به بازنگری در استانداردهای تولید خود بپردازند بلکه ضروری است که برای رفع این خطای استراتژیک فرهنگی به‌طور رسمی از ملت ایران عذرخواهی کنند. این ماجرا، زنگ خطری برای کل اکوسیستم تولید محتوا در شبکه نمایش خانگی است تا مرزهای ناپیدا اما قدرتمند هویت ملی را جدی بگیرند.

دیدگاه

روایت یک زوال پنهان

خلاقیت ایرانی چگونه از قنات به قحطی رسید؟

حجت‌الله مرادخانی

پژوهشگر منابع طاق
و مدرس دانشگاه

شناخت نسبت میان خلاقیت و نوآوری یکی از مباحث بنیادین در فهم جایگاه این دو مفهوم در فرهنگ و تمدن ایران است. این نسبت نه یک بحث تزئینی بلکه ستون اصلی دوام اجتماعی و بقای ایران در طول تاریخ بوده است. آنچه ایران را بارها از فروپاشی نجات داده، پیوند میان توان تخیل و توان تبدیل بوده است؛ یعنی خلق ایده و تبدیل آن به راحل عملی. در بحران‌ها این هم‌افزایی مسیر برون‌رفت را روشن کرده است. نمونه شاخص آن قنات است؛ اختراعی که از دل خشکسالی‌های سهمگین شکل گرفت و زندگی را در فلات خشک ایران، پایدار نگه داشت. قنات نه فقط مهندسی بلکه محصول تخیل بحران‌زده و نوآوری عملی است. در هنر و فرهنگ نیز همین چرخه جریان داشته است. برای مثال محدودیت دینی در استفاده از ظروف طلا و نقره، محرکی برای خلق سفال‌زین‌فام شد؛ هنری که جای خالی ظروف زرین را پر کرد و به اوج هنر جهان رسید. نمونه‌های دیگر شامل ریخته‌گری مفرغ‌های لرستان و معماری هوشمند بادگیرهاست که نشان می‌دهد، نوآوری و خلاقیت موتور محرک تمدن ایرانی بوده است. اما در سال‌های اخیر این نسبت تاریخی دچار اختلال جدی شده است. حوزه‌ای که باید محل زایش ایده و خلق ارزش باشد به دام دلالات هم‌چیزخوار، مدیران فرصت‌طلب و سیاه‌پوش‌گرهایی افتاده که نام «تسهیل‌گر» و «کارآفرین خلاق» بر خود گذاشته‌اند. نتیجه این سلطه، تخریب بنیان‌های خلاقیت در ایران است. میراثی که باید راهگشا باشند، مانع اصلی هستند و با سیاست‌های هیجانی، بی‌دانشی ساختاری و رانت‌محوری به حوزه آسیب می‌زنند. از سوی دیگر، موجی از فعالان کم‌مایه، «خلاقیت» را به برند سطحی و تزئینی تبدیل کرده‌اند که با چند اصطلاح خارجی، عکس و پست اینستاگرامی تزئین می‌شود اما هیچ دانش یا عمق نظری ندارد و از ایده‌های دیگران کپی می‌کند. این وضعیت بحران جایگاه است: شکافی میان خلاقیت اصیل گذشته و نمایش سطحی امروز. خلاقیت که روزی ابزار عبور از ناامیدی بود امروز سکوی موج‌سواری گروهی شده و با قساوت و منافع شخصی نابود می‌شود. این تخریب تنها فرهنگی نیست؛ تبعات اقتصادی، اجتماعی و تمدنی دارد. وقتی خلاقیت از خاستگاه خود جدا شود، نوآوری نابود می‌شود، ارزش تولید نمی‌شود و جامعه فرسوده می‌شود. جوانان مستعد راهی جز مهاجرت نمی‌یابند.

